

رویکرد تطبیقی سیاست خارجی ایران و عربستان به تحولات خاورمیانه با نگاهی به جریانات تکفیری

محمد اسماعیل زاده^۱

احمد پورا براهیم^۲

چکیده

ظهور و تقویت گروه‌های تروریستی تکفیری از خلال دو اتفاق مهم منطقه غرب آسیا یعنی بحران سوریه و تحولات عراق بوده است که تحت تأثیر رقابت میان بازیگران فرا منطقه‌ای و منطقه‌ای نیز منجر به حمایت یا مقابله از این گروه‌ها گردید. از جمله رقابت‌های منطقه‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است که واکنش‌های متفاوت دو کشور در قبال این گروه را در منطقه رقم زد. مقاله پیش رو به روش توصیفی و تحلیلی به دنبال این پرسش است که راهبردها و اهداف سیاست خارجی ایران و عربستان به تحولات خاورمیانه با نگاهی به جریانات تکفیری چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که راهبرد سیاست خارجی عربستان در عراق و سوریه استفاده از گروه‌های تکفیری به عنوان ابزاری در جهت ایجاد تحولات منطقه‌ای در جهت تقویت سلفی‌گری و مقابله بانفوذ منطقه‌ای ایران بوده است، این در حالی است که ایران به لحاظ ملاحظات امنیت منطقه‌ای و همچنین حفظ و تقویت محور مقاومت راهبرد مبارزه با این گروه‌ها را در پیش گرفته است.

واژگان کلیدی: ایران، تکفیری، داعش، عربستان، غرب آسیا

^۱ دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد ساری. ایران (نویسنده مسئول)

Esmailzadeh_lawyer@yahoo.com

^۲ دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد قشم. ایران

مقدمه

با توجه به نفوذ و ارتباط استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در سوریه و نیز نقشی که کشور سوریه در برقراری جریان مقاومت در منطقه ایفا می‌کند، بحران سوریه و تحولات آن برای ایران بسیار بااهمیت است. سیاست ایران در قبال بحران سوریه را می‌توان در چارچوب واقع‌گرایی تدافعی تعریف کرد، به عبارت دیگر ایران به دنبال افزایش امنیت نسبی خود در برابر تهدیدات منطقه است. از دیگر سو، راهبرد سیاست عربستان سعودی در سوریه بر مبنای واقع‌گرایی تهاجمی قابل‌بیان است چراکه از تقویت گروه‌های تروریستی برای استفاده ابزاری و ایجاد تحولات بهره می‌گیرد. این دو راهبرد نیز در عراق مصداق دارد از همین رو، باید گفت گروه‌های تکفیری به‌عنوان بازیگر میانی ایفای نقش مهمی را در تحولات منطقه بازی می‌کنند و سیاست ایران و عربستان با ملاحظات آن تنظیم نیز می‌شود. پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است به دنبال مقایسه رفتار سیاست خارجی دو کشور مهم منطقه خاورمیانه، ایران و عربستان نسبت به تحولات سوریه و عراق و متأثر از بازیگر میانی است. سؤال اصلی این است راهبردها و اهداف سیاست خارجی ایران و عربستان به تحولات خاورمیانه با نگاهی به جریان‌های تکفیری چیست؟ فرضیه مقاله این است که با توجه به رقابت دو کشور ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا تقویت گروه‌های تروریستی توسط عربستان راهبرد سیاست خارجی ایران در سوریه و عراق تحت تأثیر معادله امنیت و واقع‌گرایی تدافعی قابل‌فهم بوده درحالی‌که رویکرد عربستان با حمایت از گروه‌های تروریستی تهاجمی و در راستای افزایش قدرت نسبی و ارتقاء جایگاه خود در منطقه است. برای آزمون این فرضیه از نظریه‌های واقع‌گرایی تدافعی و واقع‌گرایی تهاجمی استفاده خواهد شد.

چارچوب نظری: واقع‌گرایی

فهم رفتار دولت در شرایط آنارشی و یا فراهم آوردن یک تئوری مناسب برای سیاست خارجی همچنان مهم‌ترین هدف دانش روابط بین‌الملل به شمار می‌آید. نظریه رئالیسم (واقع‌گرایی) از جمله نظریه‌های مطرح در روابط بین‌الملل است که در فرآیند تحلیل و تبیین تحولات نظام بین‌الملل دچار مناظره‌های میان پارادایمی گردیده و ثمره آن ظهور خرده نظریه‌های متعددی از درون آن بوده است. مهم‌ترین این رویکردها عبارت‌اند از: رئالیسم کلاسیک هانس جی مورگنتا، نئورئالیسم (رئالیسم ساختاری) کنت والتز، رئالیسم نوکلاسیک گیدئون رز و همچنین رئالیسم تهاجمی و رئالیسم تدافعی که این دو از درون نئورئالیسم متولد شدند. همه این نظریه‌ها دارای اشتراکاتی هستند که آن‌ها را تحت نام «واقع‌گرایی» قرار می‌دهد، اما تمایزات جزئی و یا ایده‌های آن‌ها درباره برخی از مسائل ماهوی روابط بین‌الملل همچون امنیت، آنارشی و... آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد.

واقع‌گرایی تهاجمی

می‌توان فرید زکریا و جان مرشایمر را مهم‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تهاجمی دانست. واقع‌گرایان تهاجمی چنین استدلال می‌کنند که آنارشی دولت‌ها را وادار می‌سازد قدرت (نفوذ) نسبی خود را به حداکثر برسانند. دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را به حداکثر برسانند. البته در مواردی که منافع این امر بیش از هزینه‌های آن باشد، به آن مبادرت می‌نمایند (ر.ک مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۰). واقع‌گرایان تهاجمی بر اساس استدلال‌های زیر چنین نتیجه‌ای را به دست آورده‌اند:

۱- از دید واقع‌گرایان تهاجمی، در محیط آنارشی بین‌المللی دولت‌های خردورزی که به دنبال امنیت‌اند، به انجام اقداماتی دست می‌زنند که ممکن است به تعارض با دیگران منجر شود (همان، ۱۳۰)

۲- از آنجاکه کسب قدرت دولتی به معنای از دست رفتن قدرت دولت دیگر است، درخواست قدرت نسبی دولت‌ها را وادار بازی با حاصل جمع صفر می‌کند که نتیجهٔ مختوم چنین بازی، تضاد و کشمکش است.

۳- بی‌اعتمادی به انگیزه‌های بازیگران، ویژگی دائمی نظام بین‌الملل مبتنی بر آنارشی است و به دودسته قابل تقسیم است: یکی بی‌اعتمادی به انگیزه‌های فعلی بازیگران و دیگری نبود تضمین ثابت ماندن این وضعیت حتی در صورت وجود اعتماد بین طرفین. در همین چارچوب نگرانی از نیات آتی یک بازیگر می‌تواند همکاری در وضعیت کنونی را نیز متزلزل نماید.

۴- مسئله تقلب و دولت‌های طمع‌کار پدیده‌ای مستمر در نظام آنارشی است.

۵- هدف همه دولت‌های تجدیدنظرطلب دسترسی به جایگاهی هژمونیک در نظام بین‌الملل است؛ بنابراین، این دسته از دولت‌ها به شدت به دنبال کسب قدرت بوده و اگر شرایط مناسب باشد خواستار تغییر توزیع قدرت به نفع خود هستند (عبداله خانی، ۱۳۸۹، ۸۳-۸۴)

واقع‌گرایی تدافعی^۱

از مهم‌ترین نظریه‌پردازان نظری رئالیسم تدافعی می‌توان به رابرت جرویس، استفن والت، جک اسنایدر، استفن ون اورا و چارلز گلاسر اشاره کرد. رئالیسم تدافعی فقط به دنبال «امنیت نسبی» دولت‌ها در عرصه بین‌الملل است. این تئوری نخستین بار توسط کنت والتز در سال ۱۹۷۹ مطرح شد. از نظر وی، در ساختار آنارشی نظام بین‌الملل، هیچ منبع قدرت برتری جهت اجبار دولت‌ها به پیروزی وجود ندارد. در چنین نظامی دولت‌ها به‌خصوص قدرت‌های بزرگ در جهت افزایش قدرت خود تلاش می‌کنند. گاهی دولت‌ها با رفتاری تهاجمی برای کسب قدرت باهم به رقابت برمی‌خیزند و افزایش قدرت را بهترین وسیله برای تضمین بقای خود در ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل می‌دانند و از

¹ Defensive Realism

طرف دیگر، خصلت آنارشیک نظام بین‌الملل باعث می‌شود که این قدرت‌ها در عرصه سیاست خارجی خود رفتاری تدافعی در پیش گرفته و انگیزه چندانی برای افزایش بیش‌ازحد قدرت خود نداشته باشند. به عبارت دیگر رئالیسم تدافعی روی دیگر سکه رئالیسم تهاجمی است که مفروضات جان مرشایمر را در باب الزامات آنارشی، امنیت و افزایش قدرت دولت‌ها نپذیرفته است (حمایتیان و جعفری زاده، ۱۳۹۵: ۵۶). مهم‌ترین مفروضه‌های رئالیسم تدافعی عبارت‌اند از:

۱- معضله امنیت: منظور از معضله امنیت شرایطی است که در آن تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود باعث کاهش امنیت دیگران می‌شود که از آن به امنیت نسبی تعبیر می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

۲- ساختار ظریف قدرت: به نظر رئالیست‌های تدافعی ساختار ظریف قدرت که متغیر سطح نظام نیست (و به معنای توزیع نسبی آن دسته از توانمندی‌های مادی است که دولت‌ها را قادر می‌سازد راهبردهای نظامی و دیپلماتیک خاصی را دنبال کنند)، مهم‌تر از ساختار خام یا زمخت قدرت است.

۳- برداشت ذهنی رهبران: تأثیر ساختار ظریف قدرت و توانمندی‌های مادی بر رفتار دولت از طریق تصورات یا برداشت‌های ذهنی رهبران ملی و بر مبنای قیاس‌های تاریخی و میانبرهای دیگر ادراکی اطلاعات واصله است

۴- امنیت: دولت‌ها به امنیت به‌عنوان منافع اصلی نگاه می‌کنند؛ بنابراین، در پی آن میزان از قدرت‌اند که بقای آن‌ها را تضمین نماید. دولت‌ها شدیداً بازیگران دفاعی‌اند و به دنبال قدرت بیشتری نیستند، به‌ویژه اگر کسب قدرت به معنای به خطر انداختن امنیت آن‌ها باشد (عبداله خانی، ۸۵).

۵- عرصه سیاست داخلی: به نظر واقع‌گرایان تدافعی، استقلال دولت در برابر جامعه مدنی، ائتلاف سیاسی، عرصه سیاست سازمانی و روابط میان بخش‌های لشکری و کشوری

همگی توانایی رهبران را در بسیج منابع تحت تأثیر قرار می‌دهند. قدرت سیاسی ملی به معنای توانایی بسیج منابع مادی و انسانی دولت است (مشیرزاده، همان، ۱۳۴). راهکار تدافعی به‌نوعی در دو گزینه کاهش احتمال جنگ و کاهش احتمال شکست دارای ظرفیت و توان مناسبی است. در گزینه اول، از طریق اتخاذ راهکاری دفاعی و تلاش برای بروز ندادن رفتارهای تهاجمی سعی در اعتمادسازی امنیتی و کاهش نگرانی‌ها دارد و در گزینه دوم نیز با مسلح کردن خود و بالا بردن قابلیت‌های دفاعی، در صورت بروز جنگ، احتمال شکست خود را کاهش می‌دهد (عبداله خانی، همان، ۸۵). رویکردهای تهاجمی و تدافعی دو تفاوت عمده دارند: نخست آنکه دولت تهاجمی امنیت را در کاهش عامدانه امنیت سایر کشورها جستجو می‌کند درحالی‌که دولت تدافعی این‌گونه عمل نمی‌کند. دوم اینکه دولت‌های تهاجمی امنیت یکدیگر را به‌صورت عمدی تهدید می‌کنند درحالی‌که دولت‌های تدافعی به‌صورت عمدی امنیت یکدیگر را تهدید نمی‌کنند (PAJOOHE, 1393).

مواضع ایران و عربستان در بحران سوریه

موقعیت جغرافیایی سوریه اهمیت استراتژیک دارد چراکه اولاً سوریه در منطقه خاورمیانه قرار دارد؛ ثانیاً این کشور در سواحل شرقی دریای مدیترانه قرار گرفته و از ۱۸۶ کیلومتر ساحل برخوردار است؛ و درنهایت همسایگی این کشور با فلسطین اشغالی و اسرائیل، لبنان، ترکیه و عراق اهمیت استراتژیک سوریه را بسیار بالا برده است. سوریه تنها کشوری است در میان کشورهای عربی خاورمیانه که نقش نسبتاً مستقل‌تری در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا نموده است. نقش آفرینی سوریه در معادلات سیاسی لبنان و درگیری این کشور با اسرائیل ازجمله مواردی است که از لحاظ راهبردی سوریه را مهم جلوه می‌دهد. نکته دیگر آنکه سوریه جزئی از جریان مقاومت در کنار ایران و حزب‌الله و حماس در مقابله با اسرائیل به‌حساب می‌آید. دلیلی دیگر برای اهمیت استراتژیک این کشور نزد بازیگران بین‌المللی توانایی سوریه برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق از

طریق بنادر بانیاس و طرطوس در ساحل مدیترانه به سمت اروپاست (سعیدی راد، آرش؛ چشمه سلطانی، ۱۳۹۶: ۱۰-۹).

ایران و عربستان به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای مستقیماً در بحران سوریه وارد شده‌اند و هر کدام از یک‌طرف حمایت می‌کنند. به‌طور سنتی روابط عربستان-سوریه روابط نزدیکی نبوده است. نفوذ بالای سوریه در لبنان و هم‌پیمانی با ایران خوشایند عربستان نبوده است. سفر ملک عبدال... به سوریه در اکتبر ۲۰۰۹ یکی از نقاط عطف محسوب می‌شود، سفری که در طی آن عربستان نقش منطقه‌ای سوریه (به‌ویژه در لبنان) را به رسمیت شناخت و از این کشور خواست تا روابط خود با ایران را کاهش دهد؛ اما با شروع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ عربستان دوباره به جرگه مخالفان رژیم اسد پیوست. تلاش‌های حکومت سعودی برای سقوط دولت اسد در کنار انگیزه‌های فردی، قومی و ایدئولوژیک، در مقیاس بزرگ‌تر منطقه‌ای نیز قابل‌رؤیت است.

تأثیر رشد جریان تکفیری بر سیاست خارجی ایران و عربستان

واژه تکفیر از کلمه عربی کفر مشتق شده است. در اتهام تکفیر، شخص تکفیری، دیگر مسلمانان را متهم به ناخالص بودن و از راه اسلام منحرف شدن می‌کند؛ بنابراین، تکفیر گرا به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که غیر از خود را کافر و بی‌دین می‌دانند. این آموزه به شکل قوی در شرق عربی بخصوص در شبه‌جزیره عربستان حضور داشته است. محمد بن عبدالوهاب با تأثیرپذیری از نگرش‌های فکری ابن حنبل، ابن تیمیه، ابن قیم جوزی و دیگران، فکر و ایده تکفیر گرایی را در جهان عرب بنیان نهاد. البته در غرب عربی از دستگاه فکری ابن تیمیه تأثیر پذیرفته بودند اما نوع نگاه و ورود ابن تیمیه به دو قسمت غرب و شرق متفاوت است. به این شکل که در غرب عربی رفتار جهادگرایانه ابن تیمیه بیشتر ملاک بود و در برابر، در شرق عربی آموزه‌های عقیدتی تند او مورد استقبال واقع شده، داعش نماد کامل نگرش‌های ابن تیمیه است. اگر سابقاً اندیشه‌های ابن تیمیه در دو حوزه شرق و غرب عرب تقسیم‌بندی شده بود. این اندیشه امروز به‌طور کامل در داعش

تجسم یافته است. روش این گروه با مباح دانستن خون کافران و مسلمانان شیعه و از سوی دیگر ادعای این گروه مبنی بر تلاش برای احیای خلافت اسلامی همگی نشان از تأثیرات فکری و روشی ابن تیمیه در این گروه است (احمدی لفورکی، ۱۳۹۴: ۱۰).

در خصوص پیدایش و تقویت سازمان‌های تروریستی جریان تکفیری در خاورمیانه عوامل متعددی دخیل است که برآیند مجموعه‌ای از عوامل منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و نیز زمینه‌ها و عوامل داخلی است. البته در طول تاریخ یهودیان و صلیبی‌ها نیز جریان‌ات خود را داشته‌اند اما بی‌تردید حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطف در تاریخ تحولات معاصر است. اولین جریان اسلام سلفی در قالب جنگجویان طالبانی ظاهر شدند. قرائت خشن و متحجرانه از سنت نبوی و برداشت‌های ظاهری از آیات قرآن، طالبان را بر آن داشت که حتی برای مخالفان فکری و سیاسی خود نیز تعیین تکلیف کنند و رسالتی فراتر از قد و اندازه خود در نظر بگیرند. این جریان فکری خود را در محدوده جغرافیایی افغانستان محدود نکرد بلکه برای خود مسئولیت اشاعه تعالیم اسلام مبتنی بر قرائت سلفی به سایر کشورهای منطقه را در نظر گرفته بود. این گروه ضمن اختلاف نظر با سایر گروه‌های سنی با شیعیان مخالف بودند و به همین خاطر سیاستی خشن علیه آنان به کار بردند (صادقی و میرشکاران، ۱۳۹۷: ۲۱). حوادث ۱۱ سپتامبر باعث ارتقای جایگاه راهبردی گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی و محوریت قرار گرفتن تفکر القاعده شد. چنین پدیده‌ای از زمان پیدایش، عمدتاً از سوی تفکر استراتژیک کاخ سفید مورد حمایت قرار گرفت اما بعدها با توجه به اصطکاک منافع آنان در منطقه، نزاعی عمیق میان آنان در گرفت و در نهایت باعث تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان شد (مطلبی و خان محمدی، ۱۳۹۴: ۴۶).

بدون شک نقطه عطف جریان افراط‌گرایی، ظهور داعش بود که هم‌زمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر گروه تروریستی دولت اسلامی عراق فعالیت‌های خود در سوریه را آغاز کرد و شاخه این گروه‌هک در عراق با نام "جبهه النصره لأهل الشام" تشکیل شد. در نهایت در سال ۲۰۱۳ ابوبکر البغدادی در پیامی صوتی ادغام «جبهه النصره» و «دولت

اسلامی در عراق» را اعلام کرد تا گروهک تروریستی داعش یا دولت اسلامی در عراق و شام تشکیل شود (ساداتی نژاد، ۱۳۹۹: ۱۴۴-۱۴۳). به طور کلی، عواملی که تقویت و رشد پایگاه نیروهای تندرو اسلامی می‌شوند، در چند مورد مهم باید خلاصه کرد:

- جبهه‌گیری و ایجاد انشقاق در میان مسلمانان (شیعه و سنی) به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و مخالفت کشورهای عرب منطقه با آرمان‌های آن: در حقیقت، مواضع تند کشورهای عرب و به‌خصوص، کشورهای حوزه خلیج فارس نسبت به انقلاب اسلامی در ایران، صف‌بندی‌های مذهبی را در خاورمیانه پرنرنگ‌تر کرد.

- عدم مشروعیت بسیاری از رهبران و حکام عرب منطقه: بیشتر آن‌ها هیچ‌گونه مشروعیت، به‌ویژه مشروعیت سیاسی، از سوی مردمان خود نداشتند و در نتیجه، امید به اصلاحات سیاسی-اقتصادی در میان مردمان این کشورها به تدریج تحلیل رفت.

- ایجاد ائتلافی متشکل از شصت کشور به رهبری ایالات متحده و بسیاری از کشورهای غربی دیگر: این امر، بسیاری از مسلمانان را به این نتیجه رسانده که این نبردی نه تنها ضد داعش بلکه تمام هویت اسلامی و دینی آن‌هاست.

- تبلیغات و برنامه‌هایی که داعش در جهت استفاده و تبلیغ تهیه و تدوین کرده: داعش آن‌ها را در شبکه‌های اجتماعی و اینترنت پخش می‌کند که از سوی دیگر، عدم مقابله مؤثر با این برنامه‌ها از سوی کشورهای دیگر، به رشد و ترویج دیدگاه‌های آن‌ها کمک کرده است.

- عدم وجود برنامه‌های کارآمد و مؤثر به‌عنوان آلترناتیوی برای عرضه به آن دسته از افراد و مسلمانانی که مجذوب داعش و ایدئولوژی خاص آن شده‌اند: این مورد نیز، در گسترش حوزه نفوذ این گروه، بسیار اثرگذار بوده است.

- باوجود تمام اعلان‌ها و محکومیت‌های انجام گرفته از سوی کشورها و مجامع جهانی نسبت به سیاست‌های سرکوبگرانه دولت‌های سوریه و عراق در قبال اقلیت‌ها و

مردم خود، هیچ اقدام مؤثر و عملی از طرف جامعه جهانی برای جلوگیری از این گونه رفتارها صورت نگرفته است.

- در نهایت، می‌توان گفت شاید مهم‌ترین عامل، عدم وجود راهکاری مؤثر یا برنامه‌ای قوی برای اصلاح شیوه حکمرانی در منطقه خاورمیانه، بسیاری از مردم و اقشار این منطقه را به این نتیجه رسانده که هیچ گزینه‌ای، جز بازگشت به روند پیش از سال ۲۰۱۰ وجود ندارد؛ از این رو، این سرخوردگی از نبود برنامه‌ای مشخص، بسیاری را به سمت این گروه‌های تندرو و رادیکال به‌ویژه داعش متمایل کرده است (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۵: ۹۵).

ملاحظات امنیتی عربستان در خاورمیانه

حکومت عربستان برای پیشبرد اهداف خود در منطقه از حمایت کشورهای غربی به‌خصوص ایالات متحده برخوردار است. شاید بتوان گفت بخشی از سیاست‌های آمریکا در رابطه با موج تحولات جهان عرب در منطقه توسط عربستان سعودی اجرا می‌گردد. از سال ۱۹۷۹ که رژیم شاه در ایران سقوط کرد عربستان به نزدیک‌ترین متحد ایالات متحده در منطقه تبدیل شد. این اتحاد نزدیک در زمینه‌های متنوع و گسترده‌ای صورت گرفت از جمله: مقابله با تهدیدات ایران، حفظ وضع موجود در منطقه، افزایش منطقی سلطه گروه‌های سنی مذهب در لبنان و فشار به اوپک برای پایین نگه‌داشتن قیمت نفت. در نتیجه سیاست خارجی عربستان عموماً عمل‌گرایانه و مبتنی بر حفظ امنیت دولت و رژیم پادشاهی بوده است (ر.ک شهریاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۵). علی‌رغم ادعاهای آمریکا در حمایت از دموکراسی در حال حاضر نظام سیاسی عربستان سعودی به‌عنوان متحد استراتژیک آمریکا مستبدترین نظام سیاسی منطقه است که به‌شدت حقوق بشر، حقوق زنان، دموکراسی، آزادی بیان را نقض می‌کند. راهبردهای این کشور پس از شروع بحران‌هایی ناشی از بهار عربی در منطقه خاورمیانه درگیر شدن و مداخله در منطقه است تا با مدیریت تحولات آن به‌نوعی از ورود بحران به کشورش جلوگیری کند. به‌عبارت‌دیگر عربستان سعودی به‌طور

سنتی یک بازیگر محافظه کار در منطقه بوده است و در رابطه با تحولات بیدار اسلامی در جهان عرب به دنبال حذف تهدیدات و حفظ امنیت خودش است (ر.ک شهریاری و همکارا، ۱۳۹۵: ۱۲۱). رهبران عربستان نگران حفظ ثبات سیاسی و امنیت منطقه‌ای هستند. برآورد سعودی از تعریف امنیت و ثبات در شرایط وقوع تحولات عربی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس در موارد ذیل پیگیری می‌شود:

- حمایت از فعالان سیاسی منطقه که دارای اهداف استراتژیکی مشابه با عربستان و متحدان غربی این کشور هستند.

- حراست از امنیت آسیب‌پذیر شبه‌جزیره عربستان به‌طور خاص و خلیج فارس به‌طور کلی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی بدون نیاز به حمایت نظامی آمریکا

- مقابله بانفوذ ایران در عراق، لبنان، سوریه و نزدیک‌ترین همسایه خود بحرین و همچنین سایر کشورهای حوزه خلیج فارس و در آخر نیز اطمینان از کاهش اختلافات و مداخلات در جهان عرب (پیشین).

بحران سوریه و ملاحظات امنیتی عربستان

به‌طور کلی معارضان و مخالفان سوری را می‌توان به شش گروه عمده تقسیم کرد: (۱) اکراد: به دلیل تهاجم دولت سوریه به آن‌ها از جرگه معارضان خارج شده‌اند و با به کنار نشستن و نظاره کردن منتظر نتیجه تحولات هستند.

(۲) اخوان المسلمین: این گروه بخش زیادی از جمعیت سوریه را شامل نمی‌شوند. در واقع بنیادهای اجتماعی سوریه برخلاف مصر وابسته به آنان نیست.

(۳) معارضان خارجی سوریه: این گروه در داخل سوریه چندان جایگاهی ندارند.

(۴) تنسیق (حزب تنسیق ملی): این گروه در داخل سوریه دارای جایگاه هستند. هیشم مناع آن را نمایندگی می‌کند و در رأس آن حسن عبدالعظیم است.

(۵) سلفی‌ها: این گروه از روش‌های خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند عربستان سعودی کمک‌های مالی و سلاح‌های زیادی را در اختیار آنان قرار می‌دهد.

۶) ارتش آزاد سوریه به فرماندهی ریاض السعد: این گروه از معارضان نیز توسط اتحادیه عرب و توسط غرب پشتیبانی می‌شوند و فاقد جایگاهی در داخل سوریه هستند (جعفری، ۱۳۹۶: ۹).

در خصوص گروه پنجم باید خاطر نشان کرد که ایدئولوژی این گروه‌ها برای دهه‌ها، توسط دولت عربستان تبلیغ و گسترش یافته است. به دلیل اشتراک در جهت گیری کلامی و اینکه وهابی‌ها حداقل از ابتدای قرن ۲۰ میلادی مدعی سلفی گرایی بوده‌اند، از این رو، سلفی‌ها با وهابیت عربستان سعودی شناخته می‌شوند. پادشاهی عربستان سعودی از قرائت سلفی گرایانه حمایت می‌کند و حتی تبلیغ و دفاع از سلفی گرایی منبع مشروعیت خانواده حاکم آن از میانه قرن ۱۸ میلادی بوده است. از دهه ۱۹۲۰ پادشاهان سعودی به‌طور مستمر از سلفی گرایی در مصر، سوریه، عراق، جنوب آسیا و جاهای دیگر انواع حمایت از جمله انتشار کتاب‌ها و تأسیس مدارس داشته‌اند (نصیرزاده و گودرزی، ۱۳۹۶: ۲۶۹).

مهم‌ترین گروه‌های تروریستی سلفی در فاصله ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴

مهم‌ترین گروه‌هایی که دست به حملات تروریستی هماهنگ زده‌اند		
گروه‌ها هماهنگ	حملات هماهنگ	درصد حملات
دولت اسلامی عراق و شام (داعش)	۷۵۷	۱۲ درصد
بوکو حرام	۵۵۸	۹ درصد
طالبان	۴۴۴	۷ درصد
القاعده عراق	۴۰۰	۶ درصد
الشباب	۲۴۴	۴ درصد
جنبش طالبان پاکستان	۱۷۵	۳ درصد
شبه‌نظامیان فولانی (آفریقای غربی)	۱۰۴	۲ درصد
القاعده شبه‌جزیره عربی	۱۰۳	۲ درصد
جبهه آزادی‌بخش اسلامی مراکش (ام‌ای‌ال‌اف)	۶۳	۱ درصد
جماعت اسلامی	۶۱	۱ درصد
جبهه مورو	۵۵	۱ درصد
حماس (جنبش مقاومت اسلامی)	۵۲	۱ درصد
افراد خودسر	۵۰	۱ درصد

منبع: (نصیرزاده و گودرزی، ۱۳۹۶: ۲۷۴)

در خصوص نگاه عربستان به سوریه باید گفت سعودی‌ها از زمان مرگ حافظ اسد و روی کار آمدن بشار اسد نگاه مساعدی به سوریه نداشته‌اند، زیرا بشار اسد بسیار مستقلانه تر از سیاست‌های منطقه‌ای عربی عمل کرده است. برای مثال در دهه ۹۰ مثلث عربستان، مصر و سوریه جهت دهندگان دیپلماسی کلی جهان عرب بود و مشکلات و بحران‌های جهان عرب در چارچوب این مثلث تعریف می‌شد اما از زمان به قدرت رسیدن بشار اسد، این مثلث تضعیف و از سال ۲۰۰۵ به‌طور کامل دچار فروپاشی شده است (کرمی، ۱۳۹۰). از سوی دیگر عربستان با نگرانی‌هایی که در مورد نفوذ منطقه‌ای ایران به‌خصوص در میان شیعیان و شکل‌گیری محور مقاومت دارد تلاش می‌کند تا به پشتوانه درآمد نفتی و حمایت غرب در صف مقدم مقابله با ایران قرار بگیرد. بدین ترتیب عربستان همواره از گروه‌های سلفی افراطی که معارض حکومت سوریه بوده و خاک این کشور را جولانگاه اعمال خشونت‌آمیز و تروریستی خود کرده‌اند، حمایت و پشتیبانی کرده است. به‌طور کلی در ارزیابی اقدامات عربستان نسبت به سوریه می‌توان گفت که در بهار عربی، ملک عبدالله، پادشاه سابق عربستان، شیور تغییر رژیم در سوریه را به صدا درآورد. وی در بیانیه‌ای غیرمنتظره گفت که ادامه کشتار در خیابان‌های سوریه برای عربستان غیرقابل قبول است (نیاکویی و بهمنش، حسین، ۱۳۹۱: ۱۲۲-۱۳). این کشور حتی سعی داشته است تا درگیری در سوریه را نوعی نزاع میان شیعه و سنی نشان دهد و از این طریق رهبری اهل سنت را در دست بگیرد؛ از سوی دیگر خود را به‌عنوان تنها نیروی توانمند و بازدارنده منطقه‌ای به غربی‌ها نشان بدهد تا از حمایت‌های آن‌ها بیشتر برخوردار شود. این کشور که تا قبل از بحران سوریه به دنبال بهبود روابط با سوریه باهدف تضعیف رابطه این کشور با ایران بود در طی تحولات سیاسی این کشور رابطه خود را به سمت مخالفان سوریه تغییر داد (مرادی و شهرام نیا، ۱۳۹۴: ۱۴۲). البته همان‌طور که بیان شد سعودی‌ها مایل به سرنگونی بشار اسد هستند و برای توجیه این تصمیم خود دلایل ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی نیز دارند.

بحران سوریه و ملاحظات امنیتی ایران

سوریه برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. سوریه از اولین کشورهایی بود که پس از انقلاب سال ۱۹۷۹، دولت جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و نیز از معدود کشورهای عربی‌ای بود که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از رژیم صدام حمایت نکرد. به عبارت دیگر از ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی، دولت سوریه همواره روابط نزدیک و همکاری جویانه‌ای با ایران داشته است. بعد دیگر اهمیت سوریه برای ایران، اتخاذ سیاست مقابله جویانه این کشور در برابر رژیم اسرائیل است که از لحاظ راهبردی دولت سوریه را در کنار ایران، حزب‌الله و حماس به عنوان محور مقاومت می‌دهد، بدین ترتیب سوریه متحد استراتژیک ایران در منطقه در طول ۳۴ سال گذشته بوده است.

پیروزی معارضان سوری و برکناری بشار اسد و دولت وی از قدرت سیاسی موجب می‌گردد ایران یکی از مهم‌ترین متحدان خودش در منطقه را از دست بدهد و موقعیت جریان مقاومت علیه اسرائیل تضعیف گردد. به عبارت دیگر کنار رفتن حزب بعث سوریه از صحنه سیاسی این کشور بازتاب مستقیمی بر تحولات منطقه خواهد گذاشت؛ به صورتی که موقعیت حزب‌الله و به دنبال آن حماس نیز به خطر می‌افتد و از نفوذ ایران در منطقه کاسته شده و مسائل امنیتی ایران بیشتر و پیچیده‌تر می‌گردد. مطمئناً چگونگی کمک‌های ایران به حزب‌الله و حماس بدون در نظر گرفتن نقش سوریه بسیار مشکل است و بنابراین، برای ایران خطر بی‌ثباتی سوریه دست کم شامل از دست رفتن بخشی از توانایی اعمال نفوذ در منازعات اعراب-اسرائیل، فلسطینی‌های مبارز و متحدان شیعی خود در لبنان و به‌خصوص گروه حزب‌الله است (ر.ک شهبازی و همکاران، ۱۳۹۵:۱۰۵).

در جریان تحولات سوریه، جمهوری اسلامی ایران بر راه‌حل‌های سیاسی تأکید داشته است و همچنین دولت بشار اسد را برای اجرای اصلاحات سیاسی ترغیب نیز کرده است.

با این حال روند تحولات در سوریه با دخالت‌های خارجی و حمایت از گروه‌های تکفیری بعد بین‌المللی به آن بخشیده است.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که بحران سوریه برای عربستان (حداقل به‌طور مستقیم) از این بعد که دارای روابط خوبی با دولت اسد نیست موضوع امنیتی تلقی نمی‌گردد و البته بیشتر به نفع اوست بلکه در تسریع فرآیند بحران سازی و تشدید بحران اقدام رهبران سعودی در حمایت از معارضان سوری در جهت کاهش نفوذ ایران در منطقه و اعمال نقشی فعال به‌عنوان رهبر جهان اسلام و افزایش نفوذ خود در منطقه است؛ به‌عبارت‌دیگر عربستان سعودی از موضوع بحران سوریه به‌عنوان فرصتی در جهت تقویت و ارتقاء جایگاه منطقه‌ای خود بهره می‌برد. در حالی که بحران سوریه برای ایران یک مسئله امنیتی به حساب می‌آید به‌طوری که جمهوری اسلامی معتقد است که هرگونه مذاکره و توافقی در صحنه بین‌المللی در رابطه با آینده سوریه بدون در نظر گرفتن نقش ایران عبث و بیهوده بوده چنانچه فرستادگان ویژه سازمان ملل (کوفی عنان و اخضر ابراهیمی) و دولت‌های غربی نیز به آن اذعان کرده‌اند. نگاه ایران به بحران سوریه نگاهی امنیتی و در موضع‌گیری مقامات ایرانی صریح و قاطع است؛ بنابراین عربستان با حمایت از معارضین سوری و ایفای نقش فعال در کنترل و هدایت بحران سوریه سعی دارد جایگاه خود را در این کشور ارتقاء دهد و با اعمال نفوذ در میان جمعیت سنی و به‌خصوص سلفی‌ها به آنان کمک کند تا قدرت را در این کشور به دست گیرند (Altamini, 2012:8). عربستان سعی دارد درگیری در سوریه را به‌نوعی نزاع بین شیعه و سنی تقلیل دهد و از این طریق رهبری و ریاست اهل سنت را بر عهده گیرد. در واقع رهبران سعودی این گونه وانمود می‌کند که حمایت از مخالفان بشار وظیفه عربستان است و با معرفی حکومت سوریه به‌عنوان نماد شیعیان، دولت این کشور را در مقابل سنی‌های سوریه که ۷۰٪ از جمعیت کشور را شکل می‌دهند به دنبال جنگ مذهبی و سوارشدن بر موج اعتراضات در عین مصون ماندن خود است.

شکل‌گیری گروه تکفیری در عراق

القاعده عراق را نسل دوم القاعده می‌دانند. در سال ۲۰۰۶ شخصی به نام زرقای در یک نوار ویدیویی تشکیل شورای مجاهدین را اعلام کرد ولی در همین سال کشته و ابوحمزه المهاجری جانشین او شد. زرقاوی که رهبر جبهه عربی انصار الاسلام (جنبش جدایی طلب کردهای عراق) در سال ۲۰۰۱ بود برای ایجاد فتنه مذهبی و جنگ داخلی در عراق اقداماتی از جمله انفجار حرم عسکرین در سامرا در ۲۰۰۶ کرد. بعد از آن گروه دولت اسلامی عراق به سرکردگی ابو عمر بغدادی در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۶ تشکیل شد که ارتباط تنگاتنگی با ابوحمزه المهاجری داشته و تا سال ۲۰۱۰ نیز عملیات گسترده‌ای در عراق صورت داد ولی در ۱۹ آوریل ۲۰۱۰ نظامیان آمریکایی و عراقی باهدف قرار دادن منزل ابو عمر بغدادی و ابوحمزه المهاجری آن‌ها را کشته و فردی به نام ابوبکر البغدادی وارث بعدی می‌شود که نام اصلی او ابراهیم عواد ابراهیم علی البدر و با اسامی علی البدر سامرابی، دکتر ابراهیم و ابودعا نیز در برخی منابع خبری و امنیتی نامیده شده است (مرادی حقیقی و ملکوتیان، ۱۳۹۸: ۱۵). پس از وقوع انقلاب‌های عربی کادر مرکزی داعش به رهبری البغدادی، به بررسی تحولاتی پرداختند که در نتیجه این انقلاب‌ها در منطقه به وجود آمد. با طراحی عملیات «شکستن دیوارها» در ژوئیه ۲۰۱۲ و باهدف آزادی افراد تکفیری در پوشش شعار آزادی زندانیان مخالف حکومت عراق تعداد زیادی زندانی جذب داعش شد. با پیوستن هزاران نفر جنگجو از کشورهای مختلف و حمایت‌های تسلیحاتی گسترده نیز داعش توانایی ورود به جنگی تمام‌عیار با ارتش سوریه را پیدا کرد که توانست موقعیت خود را در مناطق شرقی سوریه تا مرزهای عراق تثبیت نیز کند. داعش با استفاده از تجربیات جنگی و نیروهای آماده میدان جنگ را از سوریه به عراق منتقل و با توجه به سایر زمینه‌ها چون بی‌ثباتی و ضعف دولت مرکزی به آسانی بخش‌های دیگر عراق را تصرف کرد (همان: ۱۹). از این پس روند خشونت در عراق شتاب بیشتری به خود گرفت و تکفیری‌ها در این کشور عرصه را برای اقدامات خود مناسب دیدند.

سازمان‌ها و جنبش‌های حول محور القاعده در عراق

سازمان‌ها و جنبش‌هایی که حول محور القاعده در عراق فعالیت می‌کنند عبارت‌اند از:

سازمان	توضیحات
سازمان قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین	از خطرناک‌ترین گروه تروریستی عراق و با فعالیت‌هایی چون بمب‌گذاری، ترور و آدم‌ربایی، کشتن بی‌گناهان، سربریدن و مثله کردن اجساد است. ارتباط مستحکمی با سازمان‌های نظامی بعثی مثل "ارتش اسلامی عراق - گردان‌های ثوره العشرین" و سازمان‌های تروریستی جهانی دارد. حوزه فعالیت این سازمان مناطقی چون انبار، موصل، تکریت، دیالی و حومه‌های جنوبی و شمالی و غربی بغداد است. ساختار نظامی آن را غیرنظامیان افراطی داخلی و خارجی تشکیل می‌دهد و از بدو تأسیس رهبری آن به عهده ابو مصعب زرقاوی بود.
ارتش انصار السنه	از سنی‌های افراطی عراقی و غیرعراقی و برخی از عناصر رژیم سابق تشکیل شده است. حوزه فعالیت این گروه مرکز و شمال عراق و از هم‌پیمانان سازمان "قاعده الجهاد فی البلاد الرافدین" و محمد الجحیشی از رهبران برجسته این گروه است.
ارتش اسلامی عراق	این گروه از اسلام‌گرایان افراطی با عناصری از رژیم سابق تشکیل شده که حوزه فعالیت این گروه مرکز عراق و در موصل و بصره نیز دارای هسته‌هایی است.
حزب التحریر	هدف اعضای این گروه ایجاد حکومت خلافتی در عراق و بیرون راندن کفار از عراق است. این گروه با سازمان "قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین" در ارتباط است و حوزه فعالیت آن دیالی و برخی از بخش‌های بغداد است.
جیش الطائفه المنصوره	در اواخر ژوئیه ۲۰۰۵ ظهور کرد ولی ادعا دارد که پس از سقوط رژیم صدام تأسیس شده است. از اقدامات آن پرتاب خمپاره به سمت زائران امام موسی کاظم (ع) در ۱۳ آگوست ۲۰۰۵ بود. اولین بیانیه آن در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۵ از طریق اینترنت منتشر گردید. فرمانده آن گروه "ابو عمر انصاری" و حوزه فعالیت این گروه در مناطق الطارمیه المشاهده، التاجی، الطیفیه و عوبریح است.
گروه باران اهل سنت (مناصروا و اهل السنه)	این گروه در ژوئن ۲۰۰۵ ظهور کرد و بیانیه تأسیس آن در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۰۵ صادر گردید. حوزه فعالیت آن گروه مرکز و جنوب عراق (بصره) است و در منطقه الدوره، بغداد و ابورشید هم فعالیت‌هایی دارد.

<p>سازمان "قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین" در تاریخ ۵ ژوئای ۲۰۰۵ اعلام موجودیت کرد و مدعی شد قتل اعضای کادر سازمان بدر توسط آن انجام شده است. رهبر این سازمان جمال التکریتی است که "ابواسلام" نامیده می‌شود. او از عشیره البوناصر در تکریت و یکی از همکاران زرقاوی است این گروه تا تاریخ ۲۹ آگوست ۲۰۰۵ انجام ۲۰۰ عملیات ترور و ترور تعداد زیادی از اعضای جنبش‌های اسلامی و ملی از جمله منشی دفتر عادل عبدالمهدی و مدیر دفتر احمد چلبی را برعهده گرفته است. انفجار ساختمان موسسه شهید محراب در تلعفر در تاریخ ۲۳ ژوئای ۲۰۰۵ نیز از سوی این گروه بود.</p>	<p>سپاه عمر</p>
<p>این گروه در ژوئن ۲۰۰۵ با انتشار پستی در یک وبسایت جهادی توسط شخصی که خود را ابو دوجانا الانصاری، رهبر گردان‌های می‌نامید اعلام موجودیت کرد و عملیات انتحاری متعددی در عراق و اردن انجام داده است (Roggio, 2012).</p>	<p>الانصار وابسته به گردان انتحاری براء بن مالک</p>
<p>تکفیری‌ها و بعضی‌ها و طرفدار تبعیض نژادی بر اساس انتساب‌های عشیره‌ای شکل گرفته است. این گروه برای بازگرداندن حزب بعث اقدام می‌کند و شعار آن "حکومت برای اعراب سنی عراق" است.</p>	<p>جیش محمد (الحق)</p>
<p>حوزه فعالیت این گروه در موصل و فلوجه است. این گروه در فعالیت‌های خود به تجربه تکفیری‌هایی متکی است که در گذشته عضو ارتش عراق بودند و دوره‌هایی را در مدائن واقع در بغداد برگزار می‌کنند.</p>	<p>گروه ابوايمن</p>
<p>حوزه فعالیت این گروه مناطق ابوغریب، الرضوائیه، خان ضاری و الزیدان و رهبر آن ابوزبیده البابلی است. این گروه در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۵ بیعت خود را با سازمان قاعده الجاد فی بلاد الرافدین اعلام کرد ولی در گذشته وابسته به گردان‌های ثوره العشرین بود. شیوه اقدام با خودروهای بمب‌گذاری شده و پرتاب موشک است.</p>	<p>گردان زبیر بن عوام</p>
<p>این گروه در تاریخ ۳۱ سپتامبر ۲۰۰۵ بیعت خود را با القاعده در عراق اعلام کرد و حوزه فعالیت آن در ابوالخطیب، الامتیه و الزبیر است. گروه یادشده در بصره عملیات تروریستی را بر ضد نیروهای نظامی انگلیسی و عراقی و غیرنظامیان شیعه انجام داده است و شیوه کاری آن بمب‌گذاری، خودروهای بمب‌گذاری شده، عملیات انتحاری و ترور است. گردان حسن بصری برای اولین مرتبه بین اوت و</p>	<p>گردان حسن بصری</p>

<p>سپتامبر ۲۰۰۴ ظهور کرد و اعضای آن از عشیره غائم بصره هستند که رویکردی تروریستی دارد. رهبر این گروه ابوحنیفه عراقی است و بین سپتامبر ۲۰۰۴ تا مارس ۲۰۰۵ این گروه مسئولیت ۲۴ حمله از جمله ۱۶ مورد بمب‌گذاری و عملیات ترور متعددی را در بصره بر عهده گرفت.</p>	
--	--

منبع: (see:makhatertakfir,1395)

اقدامات تکفیری‌ها در عراق

وجود یک دولت شیعی در رأس امور اجرایی عراق منافع برخی از سران منطقه، بعضی‌ها و گروه‌های تندروی سنی مذهب را به مخاطره می‌اندازد زیرا می‌تواند به گسترش روابط و نزدیکی به ایران منجر شود. بعلاوه حضور ایرانیان در عراق و برقراری پیوند مستحکم میان شیعیان منطقه، حیات سیاسی عرب و نفوذ مذهب اهل سنت را به خطر خواهد افکند. با تضعیف حزب بعث عراق برای رهایی از این تنگنا، اتحادی استراتژیک میان سنیان ناراضی و عناصر حزب بعث شکل گرفت. از بعد مذهبی نیز القاعده امکان بیشتری را برای جولان دادن در مناطق سنی نشین یافت. بدین ترتیب زمینه درگیری‌های خونین منطقه، بحث تکفیر شیعیان و مطرح کردن آن از سوی علما و روحانیون افراطی وهابی و سلفی باعث قربانی شدن بسیاری از شیعیان بی‌گناه در منطقه گردید. در آذرماه ۱۳۸۵ سی‌وهشت نفر از علمای سلفی عربستان سعودی به‌جای برخورد مناسب و معقولانه با این پدیده و اعلام براءت از اقدامات خشن و سرکوب‌گرایانه در بیانیه‌ای ضمن ابراز تأسف از سقوط بغداد آن را توطئه مشکوک صلیبیون، روافض و صفویان دانستند و هدف از آن را حفاظت و حمایت از اشغالگران و تحدید نفوذ اهل سنت در منطقه و ایجاد هلال شیعه و تجزیه عراق به سه منطقه کردی، شیعی و سنی خواندند. کاملاً مشخص بود که در این نوع تقسیم‌بندی روافض یعنی شیعیان، صفویان همان ایرانیان و اشغال‌گران نیز سربازان صلیبی هستند (پیشین).

تحولات عراق و ملاحظات امنیتی عربستان

نکته‌ای که سیاست‌گذاران عربستان در سیاست منطقه‌ای خود به آن توجه می‌کنند تحولات و دگرگونی‌های عمده‌ای چون قدرت‌یابی شیعیان در عراق است که از منظر منافع و اهداف منطقه‌ای عربستان سعودی اهمیت بسیار دارد. این تحولات به تغییراتی در محیط منطقه‌ای عربستان منجر شده که در جهت برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به زیان این کشور و به سود ایران تعبیر می‌شود (Altamini, 2012: 8). تحولات دموکراتیک عراق جدید که دارای نظام سیاسی مردم‌سالار است و از خاستگاه مردمی (انتخابات) پدیدار می‌شود در تضاد دائمی با نظام سیاسی عربستان قرار دارد. بدون شک با توجه به نظام بسته‌ای که سعودی‌ها دارند و با وجود سیطره موسسه دینی وهابی بر آموزش و فرهنگ کشور و ساختار اقتدارگرای حاکم شکی نیست که از سرسخت‌ترین دشمنان دموکراسی و حقوق بشر در جهان باشند. در مقابل تجربه عراق و حضور مردم در صحنه سیاست و رقابت گروه‌های سیاسی در عراق و ارسال پیام‌های مردمی از یک منطقه باز به فضای بسته منجر به تغییر نگرش فرهنگی می‌شود و آرام‌آرام ریشه‌های تغییر در بنیان اجتماعی را بیدار ساخته و مطالباتی را در عربستان برمی‌انگیزد. این تحول مغایر با آرمان‌های وهابی سعودی‌ها است که به دنبال مهار شعله‌های دموکراسی نوپای عراق (بعد از حذف داعش) است (رضائی، ۱۳۹۴: ۶۷). از همین رو، از اهداف عربستان در حمایت از گروه‌های تکفیری در عراق جلوگیری از شکوفایی و انتقال دموکراسی در عراق باهدف مهار آن نیز است.

تحولات عراق و ملاحظات امنیتی ایران

از اهداف راهبردی گروه‌های سلفی‌گری در راستای ناکام گذاشتن پروسه به قدرت رسیدن شیعیان و نزدیکی عراق به ایران بود تا از این طریق، تحولات ایجابی در ژئوپلیتیک ایران تحت تأثیر قرار گیرد. بخشی از این تأثیرگذاری در قالب اختلال در سیاست راهبردی ایران در عراق مبنی بر «تبدیل آن کشور از تهدید امنیتی به دوست و متحد استراتژیک»

ظاهر شده است که ارتباط تنگاتنگی با تفسیرهای ژئوپلیتیکی سلفی‌ها دارد. بنابراین، می‌توان گفت استراتژی اصلی جریان سلفی‌گری در عراق معطوف به تضعیف و مهار موقعیت ژئوپلیتیک ایران از طریق سیاست « تشدید منازعات فرقه‌ای در قالب شیعه و سنی است... ورود سلفی‌ها به ساختار قدرت عراق می‌تواند اختلافات سرزمینی و مرزی ایران و عراق را تشدید کند و از این‌رو، به‌واسطه ایجاد بی‌ثباتی سیاسی در این حوزه ژئوپلیتیکی، امنیت ملی ایران نیز مورد تهدید قرار گرفته و از نفوذ این کشور نیز کاسته می‌شود. (ر. ک حسینی دهنوی، ۱۳۹۴: ۱۶۷). **باین حال همکاری و نزدیکی ایران و عراق بر اساس نظر** و **الت تهدید نه صرفاً به خاطر عدم توازن قدرت دولت‌ها و تحمیل همکاری است، بلکه** تصور مشترکی است که دو طرف در روابط خود از تهدید دارند. در حقیقت دولت‌های عراق و جمهوری اسلامی به این گروه‌ها به‌عنوان منشأ بیشترین تهدید موجود می‌نگرند و در این مورد به درک مشترکی رسیده‌اند. حضور مستشاری نیروهای ایرانی در عراق و تلاش برای سازمان‌دهی نیروهای عراقی ناشی از درک این تهدید در بین تصمیم‌سازان نظامی و سیاسی در ایران نیز است. از این‌رو به نظر می‌رسد با تلاش نو سلفی‌ها برای تقویت جایگاه خود در عراق، سطح اتحاد سازی در روابط تهران- بغداد ارتقا یافته و تلاش برای محدودسازی تهدید مشترک به ارتقای سطح روابط دو طرف یاری رسانیده است. این ادراک مشترک با گسترش تحرکات شیعه ستیزانه داعش در عراق تشدید شده است (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۵۱).

نتیجه گیری

واقعیت امروز روابط ایران و عربستان انعکاسی از تداخل سطوح مختلف از منابع، نگرانی‌های امنیتی و تغییرات ژئوپلیتیکی است. تحولات اخیر در دو کشور عراق و سوریه اهمیت زیادی در تحولات منطقه و به تبع آینده سیاسی و جایگاه بین‌المللی ایران و عربستان خواهد داشت. تأثیرات این تحولات در منطقه خاورمیانه نه صرفاً بر اساس ایدئولوژی‌ها، بلکه تثبیت حوزه‌های نفوذ و نقش‌های هر یک از طرفین در تحولات دیگر خواهد بود. عربستان نگران آن است که با کاهش نفوذ خود در منطقه موج تحولات منطقه به داخل این کشور سرایت کند و موجب دگرگونی در نظام آن شود. بدین ترتیب، از هر فرصتی که لازم بداند جهت مهار و تأثیرگذاری بر تحولات استفاده خواهد کرد. با توجه به وقوع اعتراضات در سوریه از نگاه عربستان سعودی زمینه مناسبی برای دخالت در تحولات سوریه و تغییر نظام این کشور که در اتحاد استراتژیک با جمهوری اسلامی بوده فراهم شده است از همین رو، با درک معادلات قدرت به صورت غیرمستقل تلاش کرد که این تحولات را از طریق حمایت از گروه‌های تکفیری رقم بزند. در مقابل ایران با تمام قوا از حکومت بشار اسد حمایت کرده و مسئولین لشکری و کشوری، بارها بر خط قرمز بودن هرگونه حمله نظامی به این کشور هشدار داده‌اند. بدین ترتیب راهبرد اصلی سیاست خصمانه عربستان به پشتوانه دلارهای نفتی و حمایت غربی شامل حمایت از معارضین سوری و گروه‌های تکفیری با تمامی امکانات مادی و غیرمادی بوده است. تحریم بشار اسد، ائتلاف‌سازی جهان عرب علیه بشار اسد، استفاده از ابزارهای رسانه‌ای در کنار ارسال سلاح و تجهیزات نظامی به تکفیری‌ها مورد تعقیب قرار گرفت. راهبرد ایران دفاع از تمامیت ارضی سوریه، جلوگیری از سقوط بشار اسد و تأکید بر راه‌حل گفت‌وگو برای حل منازعه بوده است که سیاست‌های متضاد دو کشور باعث شد که سوریه میدان رقابت استراتژیک ایران و عربستان شود. نقش تکفیری‌های به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی و میانی در سیاست عربستان بسیار حائز اهمیت بود چراکه علاوه بر پشتوانه فتوا، دارای آموزش‌های

قبلی به بسیاری از افرادی بوده است که در مدارس، محافل و مساجد بوده است. در این راستا ایجاد فتنه‌گری و راه‌اندازی جنگ مذهبی توسط جریان سلفی تکفیری در عراق و سوریه و گاه در لباس دفاع از سنت ایجاد می‌شود و بعلاوه وجود زمینه‌های اجتماعی و سیاسی نیز باعث می‌شود تا عده‌ای برای رهایی از این فشار، زمینه را برای گرویدن به این جریان‌های افراطی مناسب ببینند. باین‌حال راهبرد سیاست خارجی ایران حفظ ثبات منطقه و جلوگیری از ایجاد ناامنی در نزدیکی مرزهای خود در عراق و از دست رفتن متحد استراتژیک خود یعنی سوریه در غرب آسیا با نابودی داعش بوده است.

منابع

- احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۹۴)، نظم نوظهور جهانی در پرتو حضور روسیه در سوریه، ماهنامه دیپلمات، شماره سوم
- جعفری، میلاد (۱۳۹۶)، بررسی زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌ات تکفیری در سوریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان، بهمن ۱۳۹۶
- حسینی دهنوی، سید سجاد (۱۳۹۴)، سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی
- حمایتیان، احسان؛ جعفری زاده، علیرضا (۱۳۹۵)، تعاملات سیاسی - امنیتی منطقه خلیج فارس (مطالعه موردی: ایران و عربستان سعودی)، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، صص ۷۳-۵۱
- رضائی، ابودر (۱۳۹۴)، تأثیر تحولات عراق و سوریه بر صورت‌بندی هویتی-قدرتی بازیگران منطقه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، بهمن ۱۳۹۴
- ساداتی نژاد، سید محمد (۱۳۹۹)، نسبت صلح عادلانه با مکتب شهید سلیمانی و جبهه مقاومت، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۶۸-۱۴۲
- سعیدی راد، آرش؛ چشمه سلطانی، مجید (۱۳۹۶)، آینده بشار اسد و نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت آن بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حبل‌المتین، دوره ۶، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱۲۷-۱۰۳
- سیفی، عبدالمجید؛ پورحسن، ناصر (۱۳۹۷)، داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۷، صص ۶۳-۳۷
- شهریاری، محمدعلی؛ شفیعی، اسماعیل؛ واعظ، نفیسه (۱۳۹۵)، تحلیل سیاست خارجی ج.ا. ایران و عربستان سعودی در سوریه (در چارچوب نظریه بازیها)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۲۷-۹۹
- صادقی، علی؛ میرشکاران، یحیی (۱۳۹۷)، تحلیل زمینه‌های جغرافیایی و اجتماعی شکل‌گیری و گسترش بنیادگرایی اسلامی مطالعه موردی: جریان تکفیری داعش، پویش در آموزش علوم انسانی، سال سوم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۷، صص ۳۴-۱۸

صالحی، سید جواد؛ مرادی نیاز، فاتح (۱۳۹۵)، بنیادگرایی اسلامی داعش - القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی، دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۸۵-۱۵۹

مرادی حقیقی، فائزه؛ ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۸)، نقش آمریکا در شکل‌گیری گروه تکفیری "دولت اسلامی عراق و شام" (داعش)، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۷-۳۶

مرادی، اسداله؛ شهرام نیا، امیر مسعود (۱۳۹۴)، بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۴ (شماره پیاپی ۴۵)، صص ۱۵۲-۱۲۵

مطلبی، مسعود؛ خان محمدی، علیرضا (۱۳۹۴)، راهکارهای مقابله با پدیده تروریسم تکفیری در منطقه خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۴، صص ۶۹-۴۰

نصیر زاده، حسین؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۶)، ارزیابی و سنجش تأثیر ظهور جریان‌های نوسلفیه بر جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۹۶، صص ۲۷۸-۲۶۱

نیاکویی، سید امیر؛ بهمنش، حسین، (۱۳۹۱)، بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصلنامه روابط خارجی، زمستان، شماره ۴.

Altamini, Naser(2012), China-Saudi Arabia Relations, June
Roggio, bill (2012), Al Baraa Ibn Malik Martyrdom Brigade forms in Syria,
Retrieved from
https://www.longwarjournal.org/archives/2012/02/al_baraa_ibn_malik_martyrdom_b.php
Makhterltakfir. (1395, 03 08). شناخت جریان‌های تکفیری در عراق. Retrieved from:
<https://makhterltakfir.com/fa/Question/View/23>
PAJOOH. (1393, 08 24). رئالیسم تدافعی /Defensive Realism, Retrieved from:
http://pajooh.ir/Defensive-Realism__a-44435.aspx